

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی جایگاه کادرسازی و تشکیلات در انقلاب نبوی و انقلاب اسلامی ایران

بر مبنای سخنان مقام معظم رهبری (مدظله)

علی اسکندری^۱

^۱ نام مؤلف: علی اسکندری؛ رشته تحصیلی: حوزوی؛ پایه تحصیلی: پایه چهارم؛ مدرک تحصیلی غیرحوزوی: دیپلم؛ عنوان مقاله: بررسی جایگاه کادرسازی در انقلاب نبوی و انقلاب اسلامی ایران بر مبنای سخنان مقام معظم رهبری (مدظله)

فهرست

فهرست	۲
چکیده	۲
کلید واژه	۲
مقدمه	۲
بدنه و متن مقاله	۳
حرکت نبوی از جامعه سازی به انسان سازی	۳
نقطه کنونی و مسیر آینده	۳
لزوم کادرسازی و تشکیلات در حرکت نبوی	۳
تفاوت عرصه های ولایت قبل و بعد از تشکیل امت اسلامی و نظام توحیدی	۵
خلأ کادرسازی و هماهنگی جبهه اسلامی در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی	۶
مسئله کادر سازی و جبهه واحد مؤمنین انقلاب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی	۶
نتیجه	۷
منابع و مأخذ	۷

چکیده

هدف: فهم خلأ حرکت انقلاب اسلامی ایران به سوی تمدن نوین اسلامی

پرسش: انقلاب اسلامی در حرکت خود چه نقاط قوت و ضعفی نسبت به یک انقلاب نبوی دارد؟

یافته ها: انقلاب نبوی حرکتی متکی به اصل ولایت بوده که لازمه آن قبل از پیروزی تشکیلات و کادرسازی و بعد از آن جبهه سازی که خود متفرع بر وجود کادر است می باشد و نقطه اصلی خلأ انقلاب ایران همین مسئله بوده که لازمه آن تربیت اسلامی و معرفت اسلامی و انقلابی است.

کلید واژه

کادر سازی، انقلاب، تشکیلات، نبوی، اسلام، حزب، ولایت

مقدمه

فعالیت مجازی، کار در مسجد، جهاد و سازندگی، تبلیغ، مسئولین دولتی و یا کار علمی و دیگر خدمت ها، کدام یک اولویت یک انقلابی برای فعالیت باشد؟ در کدام زمینه عمر خود را بگذارد و بگوید که من در حال خدمت به انقلاب و ظهور هستم؟ بی شک هر فعالیت در حکومت اسلامی، اگر با نیتی الهی انجام گیرد، دارای عجز و ثواب خاص خود است، اما با کمی دقت به خود این پرسش را مطرح کنیم: آیا ما به عنوان یک انقلابی آن کاری را می کنیم که لازم ترین کار است، و یا کاری مورد علاقه مان را انجام می دهیم که لازم هم هست؟ شاید به این بیان نیز طرح دقت بد نباشد؛ آیا علاقه های ما در تشخیص تکلیفی انقلابی ما، بی تأثیر بوده اند؟ این مقاله، یا به بیان بهتر، این نوشتار کوتاه، بر آن است که جایگاه کادرسازی و تشکیلات را در حرکت انقلابی پیامبران، بر مبنای کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن بخش نبوت ولایت بررسی کرده، سپس نگاهی به انقلاب اسلامی ایران به عنوان تنها نمونه انقلاب انبیاء در زمان حال بیندازد، باشد که پاسخ دغدغه مقاله، از دل کلام رهبری مشخص شود.

توجه شود که متن محوری این مقاله بیانات معظم له در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی بخش نبوت ولایت و همچنین پلی گپی های آن بوده اما بنا بر سبک تنظیم متن، متونی از نگارنده و نیز دیگر منابع متنی و سخنرانی معظم له استفاده شده است که متن نویسنده در قالب [...] و بیانات دیگر معظم له در قالب "..." قابل شناسایی می باشند.

بدنه و متن مقاله

حرکت نبوی از جامعه سازی به انسان سازی

[انسان مجهز انواع ابزار های برای نوابری خود است اما] حواس ظاهری و غرائز ظاهری و برتر از آن دانش و معرفت بشر برای هدایت وی به سر منزل هدایت بسنده نیست و آدمی را به هدایتی فراتر از هدایت خرد نیاز است که راهبر و دستگیر و نیرو بخش خرد باشد نیاز است و آن هدایت وحی است؛ این را خود عقل هم درک میکند اگر بدون تعصب قضاوت کند زیرا محدود است و نیاز های انسان نامحدود، تجربه بشری هم [این را] ثابت کرده است. وحی از سوی خداوندی که آفریننده ی آدمی و بینای نقیصه ها و نیاز ها و دردها و درمانهای اوست. این منطق همه ی ادیان عالم و فلسفه نبوت است. نبی بموجب این نیاز مبعوث میگردد و برنامه ای را که بر آورنده ی این نیاز است اجرا میکند.

برترین و عالیترین هدف انبیاء آن است که انسانها را به تکامل برساند و استعداد های بالقوه او را بالفعل کند؛ در یک کلام انسان سازی کند. **يُرْكَبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ كَنْد.** این هدف انبیاء است. بشر که سرشتی همساز و هماهنگ با سرشت جهان دارد، آنگاه به مسیر طبیعی و فطری خود که راه تکامل اوست در می آید که در مجرای نظامی فطری و الهام یافته از فطرت جهان و انسان قرار گیرد و با مقرراتی متناسب با ساختمان روحی و جسمی اش «حق» ادراه شود. در این صورت است که با شتاب طبیعی به سوی تعالی و تکامل مقدر خویش پیش میرود؛ دست جهالت و غرض در طول تاریخ راه انسانیت را برگردانیده و با تحمیل نظام های غیر انسانی او را از این مسیر فطری برون برده است «باطل» و انبیاء بر آنند که او را به این مسیر باز گردانند.

انسان به تربیت صحیح انبیاء به پیراستگی و آراستگی میرسد و مقصود غایی از آفرینش تأمین میگردد؛ ولی برای اینکه بشر بتواند از مواهب طبیعی که در وجودش نهاده شده بهره مند شود و به تعالی برسد، چه راهی را باید در پیش گرفت؟ در میان پاسخ های گوناگون، پاسخ انبیاء آن است که باید محیطی سالم و مساعد و متناسب با ساختمان طبیعی او فراهم آورد. این محیط، همان «جامعه عادلانه توحیدی» است. با قرار گرفتن در این جامعه و نظام متناسب آن است که سیر آدمی فوج فوج به سوی سرانجام و مقصد فطری اش تسهیل و تسریع میگردد و انسان با شتابی طبیعی در راه درست و تعالی بخش گام میزند؛ به بیان دیگر انبیاء به جای دانه دانه هدایت کردن به دنبال کارخانه ی انسان سازی بودند.

[البته] برخی فقط قسم اول را میگیرند، میگویند اگر هدف تهذیب است، خب ما از اجتماع فاصله میگیریم، یک جایی گوشه صومعه آنجا مشغول تهذیب می شویم، کسی هم آمد، شرایطش را هم داشت درگوشی او را هم نصیحت میکنیم، یعنی چه؟ یعنی دانه دان هدایت کردن، این حرف بهانه ایست برای تنبل ها، سهل گرای ها؛ چون میتواند بهانه ای برای تنبل ها باشد خیلی تکرار میشود.

نقطه کنونی و مسیر آینده

"البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیةالله ارواحنا فداه است... بعضی کسان خیال می کنند دوران ظهور حضرت بقیةالله، آخر دنیا است! من عرض میکنم دوران ظهور حضرت بقیةالله، اول دنیا است؛ اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است؛ با مانع کمتر یا بدون مانع؛ با سرعت بیشتر؛ با فراهم بودن همه ی امکانات برای این حرکت." [و ولایت فقیه، همان استمرار حکومت انبیاست که مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی را می پیماید و در مسیر خود، پنج گام دارد]. "ما میخواستیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است... ما در کدام مرحله ایم؟ ما در مرحله ی سومیم؛ ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده ایم. هیچ کس نمیتواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است."^۱

لزوم کادر سازی و تشکیلات در حرکت نبوی

[تا بدین جا از ظاهر کلام، به ذهن می آید که استراتژی انبیاء برای انسان سازی، هدایت و تربیت جمعی می باشد، و کادر سازی و یا همان هدایت دانه به دانه نیروها، بیش از آنکه فایده بخش باشد، تلف کننده نیرو و توان است، حال آنکه] در محیط جاهلی مکه، پیغمبر وقتی می خواهد آدم درست بکند، مجبور است یکی یکی درست کند؛ برای خاطر اینکه از برای ایجاد آن چنان نظامی، یک عده خواص لازمند، یک عده سنگ زاویه و زیربنا

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۹/۱۲

لازمند، اینها قبلاً دانه دانه درست می شوند؛ این منافات ندارد با نقشه کلی انبیا. پیغمبر برای اینکه سنگ های زاویه جامعه مدنی را درست بکند و بتراشد، مجبور است در مکه آدم سازی فردی بکند.

[در واقع] نبی می خواهد با حرکتی انقلابی، یک ایده نو و یک فکر جدید را پیاده کند و برای این کار از وسیله و کارخانه ای به نام جامعه ی توحیدی استفاده می کند؛ واضح است که نبی در صورتی می تواند به این هدف برسد که نخست جمعی پیوسته و متشکل در فکر و عمل و روان برای یاری او تحقق یابد، یعنی همان افرادی که نبی در ابتدای دعوت خود آنها را به صورت دانه دانه هدایت می کند.

اولی که پیغمبر فکر اسلامی را می آورد؛ اولی که دعوت پیغمبر شروع می شود، آیا پیغمبر یک تنه، می تواند یک جامعه را اداره بکند؟ آیا یک جامعه، تشکیلات نمی خواهد؟ عده ای که این تشکیلات را اداره بکنند، نمی خواهد؟ سربازی که از این جامعه دفاع کند و دشمنان این جامعه را به جای خود بنشانند، نمی خواهد؟ کسانی که با پیغمبر یاری کنند و دعوت نبی را نشر بدهند، لازم نیستند؟ می بینیم که چرا. همه کار باید از طریق اسباب معمولی انجام بگیرد. پیغمبرها هم در بیشترین فعالیت هایشان از اسباب معمولی استفاده کرده اند. پیغمبر وقتی که می آید، برای اینکه بتواند جامعه مورد نظر را که همان کارخانه انسان سازیست، تشکیل بدهد؛ برای این کار احتیاج دارد به یک جمع به هم پیوسته متحد، دارای ایمان راسخ، از اعماق قلب مؤمن و معتقد به این مکتب، با گام استوار، پویا و جویای آن هدف. یک چنین جمعی را پیغمبر اول کار لازم دارد. لذا پیغمبر بنا می کند این جمع را فراهم آوردن و درست کردن.

این جمع که تشکیکل جبهه ی غیر قابل نفوذی را می دهند لازم است هر چه بیشتر، وحدت و خلل ناپذیری خود را استوار کرده و قویاً سعی کند که در جریان های فکر و عملی مخالف، هضم و حل نشود و نابود نشود، این مانند جریان کوچک آب پاکبست در میان جریان های آب های گل آلود و ناپاک که به راه خود ادامه داده در میانشان هضم نمی شود یا مانند کوهنوردانی که در میان تنگه های خطرناک کوه خود را به هم بسته اند تا از افتادن یکدیگر جلوگیری کنند. این منظور مستلزم آن است که از هرگونه اتصال و وابستگی دیگر که موجب تضعیف و کم رنگ شدن جبهه ی مؤمن خواهد شد بپرهیزد و در صورت لزوم و امکان حتی روابط معمولی خود را نیز با آنان بگسلد، این جبهه گیری و صف آرایی فکر و عملی در عرف قرآن «ولایت» نامیده میشود. این مسلمان ها را باید آن چنان به هم متصل و مرتبط کنند که هیچ عاملی نتواند اینها را از یکدیگر جدا کند. به قول امروزی ها و فرهنگ های امروزی، یک انضباط حزبی بسیار شدید و سختی را، باید در میان این افراد مسلمان برقرار کنند.

"بدون یک تشکیلات که محور آن تشکیلات، آن ولی باشد نمی توان ولایت را برقرار کرد، نمی توان مبارزه را ادامه داد. البته تشکیلات که می گوئیم، منظورمان شکل تشکیلات های معمولی عرفی عالم نیست که حتماً حزبی باشد، سازمانی باشد با همان خصوصیات، نه؛ رابطه ها منظم و پیوند مستحکم^۱ [منظور است]". [حتی در زمان ائمه هم] "تشکیلات شیعه و میگوئیم حزب تشیح فوراً یک تشکیلات مجهز مدرن قرن بیستمی به نظر نیاید که شما خیال کنید یک کادر رهبری هست و بعد نمی دانیم یک جمعیتی ذیل آن؛ یک تشکیلاتی باشد به صورتی که امروز در قرن بیستم اگر کسی بخواهد حزبی درست کند که البته بنده بلد نیستم؛ این به نظر نیاید، لزومی ندارد این جوری باشد. تشکیلات شیعه که ما می گوئیم، یعنی رهبری معین و مشخصی در رأس به نام امام، یک عده خواصی که سخن او را خوب میفهمند و عمل می کنند و یک عده توده شیعه که گوش به فرمان امامند و آنچه او گفت، انجام می دهند. واما آن خواص لزومی ندارد که لحظه به لحظه از امام یک نامه ای بیاید، یک دستوری بیاید در هر جزئیات کارشان به آنها فرمان بدهد. نه، ممشی دستشان است، خط ممشی را فهمیده اند و میدانند باید چگونه عمل کنند^۲."

[البته این بدان معنی نیست که به حزب نیازی نیست و یا مضرتی دارد بلکه غرض تبیین مفهوم تشکیلات در کلمات ایشان می باشد] "حزب عبارت است از یک گروه متشکل و منظم و هماهنگ در حرکت در جهت گیری در عمل و در ذهنیت...حزب این سه مسئولیت را بر دوش دارد (بار دیگر تکرار

۱. خامنه ای، سید علی؛ ولایت و حکومت؛ صهبا (۱۳۹۱)، ص: ۹۸

۲. خامنه ای، سید علی؛ همزمان حسین؛ نسخه دیجیتالی در نرم افزار طاقچه، ص: ۲۶۶

می‌کنم این سه مسئولیت را) اول، شتاب دادن نیروهای کند و بالفعل کردن نیروهای بالقوه، دوم، جهت دادن، تکلیف دادن، مشخص و معین کردن وظیفه، سوم، هماهنگی میان این همه فعالیت زندگی ساز، این سه کار را يك حزب بر عهده دارد^۱."

تفاوت عرصه های ولایت قبل و بعد از تشکیل امت اسلامی و نظام توحیدی

تا بدین جای سخن، حرکت نبوی از کادر سازی و ایجاد تشکیلات تا تمدن سازی به عنوان زمینه ظهور منجی عالم بشریت مشخص شده و نیز بیان شد که مفهوم تشکیلات در کلام ایشان با حزب چه تفاوتی دارد که مقدمه ای بود لازم برای بحث های بعد؛ امام خمینی (ره) منشأ انقلابی در ایران شده و حکومت ولایت فقیه را پایه گذاری کرد^۲، "کاری که امام خمینی انجام داد از نوع کار انبیاء بود، نه از نوع کار علما، اگر چه علما ورثه ی انبیا هستند، اما آن عالمی که توانسته باشد شأن وراثت را تحقق ببخشد، او را ما دیگر غیر از این بزرگوار نداشتیم"^۲.

[حال که ما در دوران چنین انقلابی به سر می‌بریم لازم است که تکلیف واقعی و در لحظه خود را به عنوان یک نیروی انقلابی پیگیری کنیم و چه راهی بهتر از آنکه انقلاب خود را با انقلاب نبوی تطبیق دهیم و خلأهای اساسی را پر کنیم، که مقصد نهایی این مقاله نیز می‌باشد. قبل از بررسی این مسئله نکته ای در حرکت انبیاء وجود دارد که اشاره به آن لازم بوده و آن تفاوت ولایت امت اسلامی در قبل و بعد از انقلاب و جامعه سازی حرکت انبیاء است. ایشان بعد از لزوم اصل ولایت برای تحقق انقلاب نبوی که بیان شد می‌فرمایند: «البته بعدها که جامعه اسلامی به یک امت عظیمی تبدیل می‌شود، بازهم ولایت لازم است. اینکه در یک امت چگونه ولایت لازم است و برای چه لازم است را، بسط می‌دهم» [و یا می‌فرمایند: همین جبهه پیوسته که پایه اصلی امت اسلامی است، آن روزی که به امتی نیرومند تبدیل شد و جامعه ای به شکل و قواره ای اسلام پسند بنا کرد، باز باید «اصل ولایت» را برای حفظ وحدت و یکپارچگی خود و جلوگیری از نفوذ و اخلاص دشمن رعایت کند.

یک جامعه اسلامی و یک جمعیتی که به عنوان امت اسلامی تشکیل شدند؛ یعنی با مقررات الهی و با طرز فکر الهی و با قانو نگذاری و اجرای قانون به وسیله قدرت الهی، این جمعیت دارند اداره می‌شوند، که امت اسلامی اسمش را می‌گذاریم، این امت اسلامی اگر بخواهند ولایت داشته باشند، به آن معنای قرآنی... دو جهت را باید مراعات کند. یک جهت، جهت ارتباطات داخلی است، در داخل جامعه اسلامی؛ یک جهت، جهت ارتباطات خارجی است، یعنی رابطه عالم اسلام و امت اسلام و جامعه اسلامی با جوامع دیگر.

جبهه ی واحد و پیوسته ای که در حقیقت بانی مدینه فاضله ی اسلامی است پس از تشکیل واحد عظیم امت در سطح عمومی مؤمنین و معتقدین به دین گسترش می‌یابد و اصل ولایت در موضع گیری های داخلی و خارجی امت اسلامی تجلی پیدا می‌کند.

در داخل همه ی آحاد و جناحهای ملت موظفند که با دقت و احتیاطی تمام، نیروها را در یکراه و به سوی یک هدف بسیج کرده و از تشتت و تفرق که موجب هرز رفتن بخشی از نیرو هاست بشدت بپرهیزند. و در خارج از هر گونه رابطه و پیمان و مودتی که جهان اسلام را در خطر فرودست شدن (و این غیر از انزوای سیاسی است) و از استقلال محروم ماندن قرار دهد، اجتناب ورزند.

بسی روشن است که حفظ و رعایت این هر دو رویه ی «ولایت» (اتصال و ارتباط و وابستگی داخلی و جدایی و تأثیر ناپذیری و عدم وابستگی خارجی)، مستلزم وجود یک قدرت متمرکز و مسلط است که در حقیقت، واحد تبلور یافته ای از همه ی عناصر مثبت و سازنده ی اسلام باشد که به آن «امام یا حاکم اسلامی» می‌گویند، و نیز مستلزم آن است که رابطه ای عمیق و نیرومند، همه ی آحاد امت را بشخص حاکم (امام) یعنی محور اساسی فعالیت و نشاط عمومی جامعه، پیوند زند و آنان را با او وابسته سازد؛ و در اینجاست که بعد دیگری از ابعاد ولایت جلوه گر میشد و آن ولایت امام و پیشوای عالم اسلام است. حال این رابطه امت با امام چگونه است؟ یک بعدش هدایت شدن امت توسط امام است، بسیج نیروها در یک نقطه است و یک بعدش ارتباط فکری و عملی امت با امام است یعنی درست از او سرمشق گرفتن، درست در افکار و اعمال و بینش به دنبال او بودن. پس ولایت دارای سه عنصر مذکور میباشد که نبود هر یک در هر فصل و قطعه از انقلاب تأثیرات منفی و مخرب خواهد گذاشت.

^۱. خامنه ای، سید علی؛ جزوه وحدت و تحزب، بخش دوم: سخنرانی سید علی خامنه ای در سمینار اعضاء شهرستانها در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی؛

^۲. خامنه ای، سید علی؛ کتاب منشور حوزه و روحانیت، (مؤسسه لوح و قلم)، ۱۳۹۵، ج ۷، ص: ۱۴۹

خلأ كادرسازی و هماهنگی جبهه اسلامی در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

[تا بدین جا تفاوت ولایت در قبل و بعد از پیروزی انقلاب نبوی و تحقق نظام توحیدی مشخص شد که لازمه تطبیق صحیح حرکت انقلاب اسلامی با حرکت نبوی می باشد. حال به تحلیل شرایط انقلاب اسلامی در قبل از انقلاب از نگاه تشکیلات و کادر سازی می پردازیم.

معنا و وظیفه های یک حزب در کلام رهبری بیان شد و می داینم که ایشان یکی از پایه گذاران حزب جمهوری اسلامی در ایران بودند؛ در واقع همان به چیزی که وجود یک حزب را برای تحقق انقلاب ایران ضروری میکرد، از خلأ های موجود در حرکت انقلابی ایران بود یعنی کادرسازی، جهت دهی کادرها و هماهنگی فعالیت های انقلابی البته این مسئله و این تفکر از اساس برای پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شد با اینکه طی حوادثی، به دلیل نبود ساختار کامل نظام اسلامی در اوایل انقلاب، اعلام موجودیت حزب بعد از پیروزی آن بود، خود ایشان نیز می فرمایند که: "البته کسی پیش بینی نمی کرد که دو ماه بعدش رژیم ساقط خواهد شد، فکر می کردیم که تا پنج سال ده سال دو سال دیگر همین وضع خواهد بود".^۱

[و به همین دلیل و به دلیل اصل لزوم وحدت که بعد از تحقق نظام توحیدی باید رعایت شود این حزب اعلام تعطیلی کرد کما اینکه در نامه تعطیلی حزب جمهوری اسلامی، چنین آمده است:] " همان طور که رهبر عزیز اطلاع دارند، تأسیس حزب جمهوری اسلامی از طرف هیأت مؤسس با مشورت آن مقام معظم و در شرایطی انجام شد که نیاز به یک تشکل در برابر انبوه مسائل در آغاز انقلاب و لزوم انسجام و انتظام نیروهای آگاه و مؤمن و گسترش آگاهی های انقلابی و تربیت کادرهای فعال و کارآمد برای اداره کشور و خنثی کردن توطئه گروهک ها و عوامل دشمن خارجی و ضد انقلاب داخلی بشدت احساس میشد... اکنون به فضل الهی نهادهای جمهوری اسلامی تثبیت شده و سطح آگاهی و درک سیاسی آحاد ملت انقلاب را از جهات عدیده آسیب ناپذیر ساخته و روشن بینی و توکل و قوت اراده آن رهبر عالی قدر و فداکاری و آمادگی مردم حزب الله توطئه های ضد انقلاب داخلی و استکبار جهانی را بی اثر و کم خطر نموده است. لذا احساس میشود که وجود حزب، دیگر آن منافع و فواید آغاز کار را نداشته، و به عکس، ممکن است تحزب در شرایط کنونی بهانه ای برای ایجاد اختلاف و دودستگی و موجب خدشه در وحدت و انسجام ملت گردد، و حتی نیروها را صرف مقابله با یکدیگر و خنثی سازی یکدیگر کند"^۲

[غرض آنکه برای تحقق ولایت که شرط پیروزی انقلاب است خلأیی وجود داشت تحت عنوان پرورش و جهت دهی کادر و تشکیلات، تا جایی که ایشان حزب جمهوری اسلامی را تأسیس کردند و باز برای حفظ اصل وحدت که از پایه های ولایت بعد تحقق امت اسلامی است این حزب تعطیل شد اما آیا این خلأ همچنان باقی است؟

مسئله کادر سازی و جبهه واحد مؤمنین انقلاب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

از دو جهت باید بررسی شود، کادرسازی و هماهنگی بین فعالیت های انقلابی یا همان جبهه مؤمنین امت اسلامی که دوّم متفرّع بر وجود اوّل است. اما مسئله کادر سازی، کادر انقلاب عبارت دیگر مدیر انقلاب است یعنی مدیران انقلاب در همه سطوح که تأکیدات ایشان نسبت به مقطع کنونی انقلاب یعنی لزوم تحقق دولت اسلامی و نیازمندی به مدیر انقلابی از سخنان پر تکرار است و این مسئله در جبهه واحد مؤمنین انقلاب یا به بیان دیگر هماهنگی تشکیلات های انقلابی تا بدان جاست که ایشان در ۹۲/۲/۲ در سخنرانی معروف لزوم ایجاد جبهه انقلاب اسلامی خطاب به جمع حاضر می فرمایند: " ما خیلی چشم انتظار شماها بودیم در طول چندین سال. خب، الحمدلله شماها رسیدید و آمدید؛ خدا را شکر... یک وقتی هم در نماز جمعه اشاره کردم، سالها پیش؛ شاید ده، دوازده سال پیش، گفتم که بعضی ها می گویند ریزش داریم؛ من هم قبول دارم ریزشها را، اما معتقدم ریزش ها از ریزشها قوی تر و ان شاء الله پربرکت تر است. الحمدلله همین هم شده".^۳

[و در نهایت چاره را ایشان چنین بیان می کنند:] "من به شما میگویم که ما در اول راهیم. آن تصویری که از جامعهی اسلامی در ذهن ماست، با وضع کنونی ما فاصله ی زیادی دارد. ما توانستیم حصار ی را بشکنیم و مانع را از سر راه حرکت به سمت دولت اسلامی و جامعهی اسلامی و دنیای اسلامی

۱. خامنه ای، سید علی؛ جزوه وحدت و تحزب، بخش دوّم: سخنرانی سید علی خامنه ای در سمینار اعضای شهرستانها در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی؛

۲. صحیفه امام ج ۲۰ ص: ۲۷۵؛ نامه سید علی خامنه ای و هاشمی رفسنجانی به امام خمینی (ره) برای تعطیلی حزب جمهوری اسلامی

۳. خامنه ای، سید علی؛ قرارگاه های فرهنگی (صهبا) ۱۳۹۳؛ ص: ۱۷

برداریم. آنچه را که میتوانیم بین خودمان و خدا بگوییم، این است که ما تلاش کردیم و مردم ما صادقانه حرکت کردند و امام ما خوب رهبری کرد و خوب پیش برد؛ اما آنچه را که در اثنای این جاهلیت مظلّم طی کردیم، نسبت به آنچه که بعداً باید طی کنیم، مطمئناً خیلی کم است. اولین و مهمترین کاری که پیش روی ما قرار دارد، تحول معنوی و روحی انسانهاست. ما متأثر از تربیتهای طولانی غیراسلامی هستیم. آنچه که هیجان عظیم انقلاب و دوران جنگ انجام داد، البته معجزه آسا بود؛ اما تا این پدیده عمق پیدا نکند، و تا وقتی که اعماق ضمائر را متحول نماید، کار زیادی لازم است.

در یک صحنه‌ی دیگر، ما به فهم مباحث اسلامی به شکل کارساز برای مسائل دنیای این قرن نیاز داریم. امت اسلامی در طول قرن‌ها - یعنی در دوران انزوای اسلام - کمتر با مسائل واقعی مواجه شد؛ اما امروز ما با مسائل بسیاری - که وضع زمان و پیشرفتهای علمی بر ما تحمیل میکند - مواجهیم؛ ما باید برای اینها از متن اسلام جواب پیدا کنیم. اسلام مطمئناً برای همه‌ی نیازهای بشر پاسخ دارد؛ این ما هستیم که بایستی با ابتکار و استعداد، این جوابها را پیدا کنیم و در مقابل بشر سؤال کننده بگذاریم؛ این کار علما و متفکران است!^۱

نتیجه

لازمه حرکت نبوی برای تحقق نظام توحیدی و حرکت به سوی تمدن اسلامی و ظهور منجی عالم بشریت، هدایت دانه دانه و کادرسازی بوده که با حفظ اصل ولایت توسط این گروه، پیروزی جریان نبوت و تحقق نظام توحیدی تضمین شده است ولی تحقق اصل ولایت متّکی و وابسته به تشکیلات منسجم می باشد که در عصر حاضر به شکل حزب تجلّی می یابد. همان تشکیلات و کادر بعد از تحقق امت اسلامی و پیروزی نظام توحیدی بر پایه اصل وحدت باید ولایت و انسجام درونی را حفظ کرده که در قالب جبهه مؤمنین انقلابی تجلّی می کند که این نیز خود متفرّع بر سازکار صحیح تربیت و جهت دهی نیروها است. و بر اساس نیاز امروز جمهوری اسلامی به مدیران و کادر انقلابی برای گذر از مرحله دولت اسلامی، نیاز اصلی، نیاز به کادر سازی و جبهه سازی مؤمنین انقلابی ست، یعنی تحوّل معنوی و علمی یعنی تربیت اسلامی و معرفت اسلامی.

منابع و مأخذ

خامنه ای. سید علی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، صهبا. نسخه دیجیتالی. خرداد ۱۳۹۹

خامنه ای، سید علی، قرارگاه های فرهنگی. صهبا. ۱۳۹۳

خامنه ای. سید علی، جزوه وحدت و تحزّب. حزب جمهوری اسلامی. ۱۳۶۳

خامنه ای. سید علی، هم‌زمان حسین. نسخه دیجیتالی در نرم افزار طاقچه

خامنه ای. سید علی، کتاب منشور حوزه و روحانیت. مؤسسه لوح و قلم. ۱۳۹۵

خامنه ای. سید علی، ولایت و حکومت. صهبا. ۱۳۹۱.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۹/۱۲

بیانات در دیدار جمعی از مهمانان خارجی ۱۳۷۰/۱۱/۱۴

خمینی. روح الله، صحیفه امام

^۱. بیانات در دیدار جمعی از مهمانان خارجی، ۱۳۷۰/۱۱/۱۴